

مشارکت سیاسی و ادغام اجتماعی جوانان به‌عنوان یک مقوله اجتماعی اهمیت و حساسیت زیادی دارد. مشارکت عام ذهنی و عینی جوانان مبنای مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی همه جوامع به‌شمار می‌آید. تنها با ادغام در اجتماع است که جوانان احساس تعلق اجتماعی را در خود تقویت می‌کنند و تمایل به ایجاد شبکه‌ای خودجوش از روابط و گرایش‌های مبتنی بر اعتماد، همکاری و احترام متقابل نسبت به یکدیگر را حفظ و تداوم می‌بخشند. این شبکه روابط که در اصطلاح رایج اجتماعی از آن به «سرمایه اجتماعی» تعبیر می‌شود، خود بستر مناسبی را برای تقویت فرهنگ مدنی و شهروندی ایجاد می‌کند. همان‌گونه که نابرابری، بیکاری و فقدان دسترسی عادلانه به فرصت‌های اشتغال اسباب حاشیه‌نشینی و کنارگذاری (Exclusion) جوانان را فراهم می‌سازد، تمهید زمینه‌های دخالت و مشارکت جوانان در حیات اجتماعی و سیاسی خویش نیز تأمین‌کننده حقوق شهروندی و در نتیجه ادغام اجتماعی آنهاست. جوانان به طور سنتی از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که از حقوق کامل شهروندی همچون افراد بزرگسال محروم بوده‌اند و توسل به گرایش‌های خرده‌فرهنگی آشکار و پنهان آنها به طور عمده محملی برای ابراز وجود و تلاش برای کسب مشروعیت آنها تلقی شده است.

مشارکت جوانان به معنای «توانایی آنها برای اندیشیدن در مورد خود، انتقال مؤثر نظرهای خود و برقراری ارتباط و تعامل مثبت با دیگر اعضای جامعه است». بدیهی است شدت و میزان مشارکت جوانان را بر حسب درجه دخالت آنها در تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی مربوط به آنها می‌توان بررسی و تحلیل کرد. مشارکت در ضعیف‌ترین شکل خود، چیزی جز اعمال نفوذ و یا صورت‌نمایشی و تشریفاتی را به خود نمی‌گیرد، حال آنکه در کرانه دیگر طیف مشارکت با ابتکار خود نوجوانان و جوانان و با شرکت یکسان صورت می‌گیرد.

جوانان، مشارکت سیاسی و ادغام اجتماعی

❖ کاری از: انجمن جامعه‌شناسان ایران
تدوین و تنظیم: مراد مهدی‌نیا

مشارکت جوانان در کشورهای غربی

پژوهش‌های تجربی انجام‌شده در غرب به طور عمده بیانگر این نکته هستند که حتی در شرایط رکود اقتصادی و بیکاری، جوانان گرایش‌های سیاسی رادیکالی ندارند. براساس مطالعات انجام‌شده در کشورهای اروپای شمال-غربی، جوانان به ندرت در خانه و با والدین خود در مورد سیاست گفت‌وگو می‌کنند و بیشتر سیاست را موضوعی کسل‌کننده می‌دانند. (Wallace, 1998: 188)

همین‌الگو را در مورد کشورهای اروپای شرقی نیز می‌توان مشاهده کرد و اگر چه جوانان با تحصیلات بیشتر، به‌ویژه دانشجویان، بیشتر به سیاست علاقه‌مند هستند، با این حال این علاقه بیشتر متوجه اشکال جایگزین سیاست مانند: جنبش‌های جدید اجتماعی است تا سیاست گروه‌ها و نظام‌های حاکم. ویژگی بارز تحولات ارزشی در گرایش سیاسی جوانان غربی، توجه به «رضامندی‌های شخصی» و «خودابرازی» است که برخی آن را با تعبیر «ارزش‌های فرامادی گرایانه» توصیف می‌کنند. (نگاه کنید به اینگلهارت، ۱۹۹۰)

اینگلهارت مدعی است که با تجربه رفاه و توسعه اقتصادی، ارزش‌های فرامادی ظاهر می‌شوند که در عرصه سیاسی تجلی خود را در شکل صورت‌های فرامردن اعتراض نشان می‌دهد. در این وضعیت انتظار می‌رود جوانان با توسل به انتخاب سبک‌های فردی برای زندگی خود و داشتن «سیاست زندگی» ویژه خود، به‌طور صریح یا ضمنی به نظام مسلط انتقاد کنند. هدف این انتقادات نیز بیشتر متوجه مسائل زیست‌محیطی، توسعه نابرابر اقتصادی، خلع‌سلاح، عدالت اجتماعی و مسائل مشابه دیگر است.

بدین ترتیب برخلاف تصورات سنتی، جوانان غربی به طور عمده نیرویی محافظه‌کار تلقی می‌شوند که راه‌حل‌های فردی را در پرداختن به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برمی‌گزینند. اگرچه دسته‌ای برجسب‌های نامناسب را علت انفعال و فاصله‌گیری سیاسی جوانان این کشورها می‌دانند، با این حال واقعیت این است که ماهیت علائق سیاسی و اولویت‌های سیاسی جوانان غربی تغییر یافته است.

یافته‌های تجربی در ایران

در سطح توصیفی مطالعات انجام‌شده در ایران بیانگر رابطه مثبت سن و میزان تحصیلات با علاقه به سیاست و نیز علاقه بیشتر جوانان پسر به سیاست است. تفاوت مهم و



همان‌گونه که نابرابری،
بیکاری و فقدان
دسترسی عادلانه به
فرصت‌های اشتغال
اسباب حاشیه‌نشینی
و کنارگذاری جوانان
را فراهم می‌سازد،
تمهید زمینه‌های دخالت
و مشارکت جوانان
در حیات اجتماعی و
سیاسی خویش نیز
تأمین‌کننده حقوق
شهروندی و در نتیجه
ادغام اجتماعی آنهاست.



جالب مربوط به علاقه زیاد جوانان ایرانی به موضوع سیاست است. برخلاف یافته‌های کشورهای غربی، عموم جوانان ایرانی مورد مطالعه (نگاه کنید به ذکایی، ۱۳۸۰) اشاره به بحث سیاسی در خانواده و نیز با دوستان و افراد نزدیک داشته‌اند. این نتیجه، آشکارا بیانگر علاقه و آگاهی جوانان نسبت به حقوق شهروندی خویش است. با این حال با وجود این علاقه، تنها درصد خیلی از جوانان سهم خود را در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و تغییر محیط پیرامون به عنوان شهروند قابل تصور می‌دانند. جوانان ایرانی بیش از آنکه با حقوق اجتماعی و فرهنگی خود به‌عنوان «شهروند» آشنا باشند و به آن اشاره کنند، به وظایفی اشاره داشته‌اند که با نقش شهروندی همبسته است. توقعات و انتظاراتی که جوانان به‌عنوان شهروند مطالبه کرده‌اند، عموماً در سطح نیازهای اولیه‌ای است که با امنیت اقتصادی و اجتماعی آنها مرتبط است و در مطالبات خود کمتر به امتیازات و حقوقی که منافع مادی مستقیم برای آنها دربر داشته باشد، اشاره کرده‌اند. خواسته شهروندی بیشتر جوانان تأمین فضایی امن و قابل پیش‌بینی در جامعه است که در آن افراد کاردان سیاست‌گذاری می‌کنند و دغدغه آنها را درباره ابهام به آینده، آشفتگی اجتماعی و نبود احساس امنیت برای برنامه‌ریزی‌های شخصی و اجتماعی پاسخ می‌گویند. همچنین در تشریح موانع مشارکت اجتماعی، جوانان به زمینه‌هایی مثل وجود تفکرات غیرهمسو نسبت به آنها و نسبت به جوان‌گرایی در جامعه، نبود اطمینان از نتیجه‌بخش بودن مشارکت، نداشتن فرصت، روحیه فردگرایی و ابهام‌های ذهنی اشاره کرده‌اند.

موانع و عوامل بازدارنده مشارکت سیاسی در ایران

با وجود انگیزه به نسبت زیاد جوانان ایران برای مشارکت، آنها در ساختن جامعه و تأثیرگذاری بر آن چندان خود را سهیم نمی‌دانند. مشکلات معیشتی و فقر و محرومیت خانوادگی، به‌عنوان مانعی مهم، اولییتی را برای مشارکت گروه‌های محروم جوانان باقی نمی‌گذارد. همچنین دسته‌ای از جوانان ارزش‌گذاری‌های متفاوت نسبت به گرایش‌های سبک زندگی و ملزم‌بودن به رعایت برخی سلیقه‌های تنگ‌نظرانه را عاملی برای بیگانگی و بی‌تفاوتی بخشی از جوانان پنداشته‌اند. از دیگر عوامل مؤثر بر انفعال اجتماعی و سیاسی جوانان موارد ذیل قابل ذکر است:

الف) در سطح خرد و میانی

- ناکافی بودن یا در دسترس نبودن سرمایه اجتماعی و فرهنگی قابل اتکا برای برخی از نوجوانان و جوانان، بی‌اعتمادی در خانواده را دامن می‌زند. با توجه به نقش مؤثر خانواده در اجتماعی شدن سیاسی کودکان و نوجوانان، امتداد این بی‌اعتمادی به اجتماع بزرگ‌تر رخنه می‌یابد.

- احساس فاصله اجتماعی و شکاف در روابط خانوادگی مانعی در تمرین آموزش اعتمادپذیری و تعلق جمعی به مجموعه‌های بزرگ‌تر اجتماعی مانند: همسایگی، محله، اجتماعی شهری و ملی است.

ب) در سطح کلان (فرهنگی و اجتماعی)

- تصویرسازی بیرونی از جوانان در حوزه عمومی و رسانه‌ها و بر تصورات و تلقی آنها از جامعه، بسط تعلقات اجتماعی جوانان به اجتماع و بهره‌گیری از آن در تقویت شبکه روابط اجتماعی خویش تأثیر مستقیم دارد. مفروضات و نگرش منفی و غیرهمدلانه به جوانان بر حاشیه‌نشینی و بی‌میلی آنها به مشارکت تأثیر می‌گذارد.

رواج همزمان وفاداری‌های خاص گرایانه و تعهداتی که حقوق و مسئولیت‌های رسمی شهروندی از جوانان طلب می‌کند، بر ابهام و دشواری تفکیک آنها نسبت به عرصه‌های خصوصی (منافع شخصی) و عرصه عمومی (منافع ملی) مؤثر است.

- ناتوانی جوانان در تعریف هویت جمعی خویش با استناد به مقولات انتزاعی، فراگیر و غیرفردی همچون سرزمین، دین، قومیت، فرهنگ و مقولات مشابه دیگر و گرایش به هویت‌یابی با گروه‌های محدود، کوچک و عینی‌تری چون خانواده، گروه دوستان و افراد نزدیک و آشنا مانعی برای عام‌گرایی اخلاقی و ملاحظات مدنی است و بیانگر بی‌اعتمادی و سطح پایین ادغام اجتماعی است.

- رواج ارزش‌های فردگرایانه در میان بخشی از جوانان آنها را به انتخاب صورت‌های جدید هویت‌یابی - به‌ویژه با استمداد از نوآوری‌های فناورانه و ارتباطی - متمایل ساخته است. گرچه این گرایش‌ها هنوز در سطح محدودی هستند، با این حال جامعه در حال گذر ایران همچنان نیازمند مشارکت‌های عینی و دارای نتیجه مستقیم اجتماعی است و نه بر مشارکت‌های سمبلیک و فرامدرنی است که در کشورهای غربی شکل می‌گیرند.

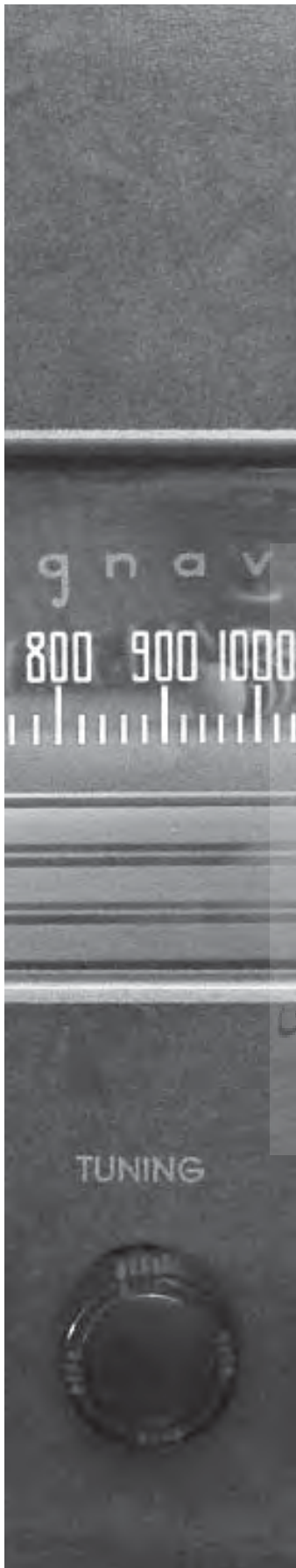
توصیه‌های سیاستی و اقدامات پیشنهادی

۱. مشارکت فعال جوانان و نوجوانان در عرصه‌های اجتماعی مستلزم بهره‌مندی از آموزش مناسب است. این آموزش که به صورت رسمی و مؤثر در مدارس ارائه می‌شود، باید جوانان را قادر سازد تا منشأ تأثیر در تصمیم‌گیری‌های محدود مدرسه، همسایگی، منطقه شهری یا منطقه محل زندگی خود، سطح نظام سیاسی ملی و حتی در یک چشم‌انداز جهانی باشند. در این خصوص اقدامات زیر توصیه می‌شود:

۱-۱. تشویق دانش‌آموزان به فعالیت در انجمن‌های دانش‌آموزی و دیگر فعالیت‌های داوطلبانه در مدرسه، شوراهای و انجمن‌های دانش‌آموزی و دیگر صورت‌های ارتباط مدرسه با محله و اجتماع محل زندگی دانش‌آموزان، فرصت‌های مناسبی را برای مشارکت و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها در اختیار آنها قرار می‌دهد و سرمایه‌ای برای مدارس محسوب می‌شود. لازم است به والدین توصیه شود تا به این فعالیت‌های دانش‌آموزان و نیز مشارکت آنها در گروه‌های ورزشی و خیریه یا امدادسانی مانند هلال احمر نگرش مثبتی داشته باشند. به معلمان نیز توصیه می‌شود تا این فعالیت‌های مشارکتی دانش‌آموزان را با بدبینی نگاه نکنند و از آنها از این بابت قدردانی کنند.

۲. توصیه می‌شود مدارس نگرش مثبت و پذیرنده‌ای نسبت به سازمان‌های فعال اجتماعی که خدمات جمعی و عموماً با ملاحظه منافع و خیرخواهانه ملی و حتی

تصویرسازی بیرونی
از جوانان در حوزه
عمومی و رسانه‌ها و
بر تصورات و تلقی
آنها از جامعه، بسط
تعلقات اجتماعی جوانان
به اجتماع و بهره‌گیری
از آن در تقویت شبکه
روابط اجتماعی خویش
تأثیر مستقیم دارد.
مفروضات و نگرش
منفی و غیرهمدلانه به
جوانان بر حاشیه‌نشینی
و بی‌میلی آنها به
مشارکت تأثیر می‌گذارد.



بین‌المللی دارند- مثل طرفداران محیط زیست، حقوق کودکان، دستگیری از نیازمندان و دیگر فعالیت‌های مدنی و داوطلبانه و به‌ویژه سازمان‌های مربوط به جوانان داشته و در صورت امکان با گشایش دفتر و ایجاد ارتباط بیشتر با این تشکیلات، دانش‌آموزان را درگیر سازند. برگزاری انتخابات در سطح مدرسه برای تعیین «شهردار مدرسه» که به صورت موردی در مناطقی از ایران به اجرا درآمده است، در بالابردن علاقه دانش‌آموزان به سیاست و تمرین مسئولیت‌پذیری آنها مؤثر است.

۳. فراهم کردن زمینه حضور بیشتر جوانان در مجامع مختلف دولتی. جوانان در کمیته‌ها و بخش‌هایی که با تصمیم‌گیری‌های عمومی و به‌ویژه مرتبط با آنها، ارتباط دارد حضور کافی ندارند و این حضور کم‌رنگ، احساس کنار گذاشته شدن آنها در نظام سیاسی را تقویت می‌کند. همچنین به لحاظ عملی نیز توزیع نامتوازن جوانان در عرصه‌های عمومی به معنی برخوردار نبودن آنها از توانایی‌های جوانان، که به‌خصوص در عرصه‌هایی مثل آشنایی با IT بارز است، می‌شود.

۴. راه‌اندازی شبکه اطلاع‌رسانی اینترنتی. با عنایت به این واقعیت که داشتن اطلاعات بیشتر به جوانان قدرت و اعتماد به نفس بیشتری می‌بخشد، توصیه می‌شود با راه‌اندازی کانال اینترنتی برای جوانان، اطلاعات مدنی را در اختیار نوجوانان و جوانان قرار داد. چنین کانالی به جوانان این امکان را می‌دهد تا در زمینه مسائل مختلف اجتماعی و مربوط به جوانان اطلاعات لازم را کسب کنند و با تشکیل گروه‌های داوطلبانه مجازی و واقعی نقش فعال‌تری در اجتماع پیرامون خود ایفا کنند. همچنین چنین کانالی فرصت ارتباط بیشتر میان جوانان و تصمیم‌گیرندگان را فراهم می‌سازد.

۵. تقویت ارتباط میان تشکیلات یا سازمان‌های مرتبط به جوانان. افزایش تعداد تشکل‌ها و سازمان‌هایی که مسائل جوانان را موضوع کار خود قرار دهند، به‌ویژه در سطح محلی (شهر و روستا) به طور یقین می‌تواند در دخالت و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود مؤثر باشد. چنین مراکزی می‌توانند فرصتی را برای ارتباط جوانانی که از محرومیت‌هایی رنج می‌برند فراهم کرده و امکان برخورداری از آموزش‌هایی را به طور غیررسمی به آنها مهیا سازند. برای استفاده بهینه از خدمات این مراکز، توصیه می‌شود که از طریق یک شبکه رایانه‌ای به یکدیگر متصل شوند تا امکان مبادله تجارب آنها فراهم شود و محرکی برای برقراری شبکه‌های مشابه جدید در نقاط دیگر باشد.

توصیه‌هایی با ملاحظات آینده‌نگرانه

چالش مدرنیسم، افزایش فردگرایی و آگاهی جوانان از فرصت‌هایی بیشتر که دارای آن هستند، جوانان را به صورت فزاینده‌ای متنوع و ناهمگون می‌سازد و از این رو پیش‌بینی و تدارک دیدن برای صورت‌های جایگزین مشارکت اجتماعی آنها ضروری است. شکل‌گیری اجتماعات دیگری که از مشارکت جمعی مرسوم و رایج فاصله دارد- شکل‌گیری اجتماعات فرهنگی و الکترونیکی- به تدریج جاذبه بیشتری برای جوانان می‌یابد.

ویژگی فوق ایجاد آمادگی برای ارتباط با جوانان در صور مجازی، فرهنگی و زیبایی‌شناختی را از جانب برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مسائل جوانان اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. لازم است اشکال جدیدی را برای مشارکت مهیا ساخت که علاقه جوانان به فرایند تصمیم‌گیری‌های مردم‌سالارانه را از نو زنده ساخته و نسبت به صورت‌های در حال رواج مشارکت و نیز شیوه‌های جدید ساختن و ابراز هویت حساس ماند.

پی‌نوشت:

این گزارش برگرفته از تلاش و کوشش استادان و صاحب‌نظران در گروه جامعه‌شناسی جوانان انجمن جامعه‌شناسی ایران، به‌ویژه دکتر محمدسعید ذکایی، دکتر محمود شجاعی، دکتر ابوالقاسم طلوع